
روش‌های مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی

رضا حاجیان حسین آبادی*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۵

چکیده

پیشگیری و مبارزه با فساد از مولفه‌های اقتصاد سالم و روبه رشد است. تا زمانی که از وقوع فساد پیشگیری نشود و نظارت و کنترل بر اقتصاد وجود نداشته باشد، هر اقدام شایسته و اصلاحی سطحی و روبنایی نتیجه نخواهد داد. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه برای مبارزه با فساد روش‌هایی را تبیین کرده و در حکومت از آن استفاده نموده است. این نوشتار به بررسی روش‌های علی بن ابیطالب (علیه السلام) در مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت می‌پردازد. از اقدامات اساسی حضرت (علیه السلام) در نظام اقتصادی، کنترل و نظارت همه‌جانبه برای پیشگیری از وقوع فساد و روش‌های مقابله با آن بود. حضرت با برنامه‌ریزی، فرهنگ‌سازی، شایسته‌سالاری، شفافیت اطلاعات، نظارت و کنترل، جلوگیری از اختلاس، ممانعت از احتکار، رباخواری، رانت‌خواری، مبارزه با گران‌فروشی، کم‌فروشی، تثبیت قیمت‌ها و تنبیه متخلفان با هرگونه فساد اقتصادی مقابله و مبارزه نمود. از آن‌جا که بدون داشتن الگوی مناسب و برنامه‌ریزی صحیح، امکان ریشه‌کنی فساد وجود ندارد، توجه به شایسته‌ترین حکومت می‌تواند الگوی مناسب و برنامه‌ای سازنده جهت یافتن روش‌های درست در راستای مبارزه با فساد باشد؛ لذا توجه به آموزه‌های علوی اهمیت و ضرورت بیش از پیش می‌یابد. روش پژوهش در این نوشتار توصیفی تحلیلی است که با تکیه بر نهج البلاغه و منابع معتبر دیگر و استفاده از خانواده حدیث با استفاده از روش فقه‌الحدیثی و سنجش اعتبار روایات به دست آمده

است.

واژگان کلیدی

حکومت علوی، عدالت، روش‌های مبارزه، فساد اقتصادی، مساوات.

۱. مقدمه

فساد اقتصادی از موانع برقراری عدالت و رفاه اجتماعی به شمار می‌رود که بدون توجه به آن، اقدامات اصلاحی اثری نخواهد داشت. باتوجه به این که هر یک از نظام‌های اجتماعی-اقتصادی به هم مرتبط هستند و انحراف در قسمتی، بخش‌های دیگر را دچار مشکل می‌سازد. مفسد اقتصادی دارای اسباب متعددی است که از ضعف کارگزاران و در پی آن عدم کنترل دقیق دستگاه‌های نظارتی، سبب ایجاد رانت اطلاعاتی و سوء استفاده می‌شود و بهره‌مندی جامعه را از دستیابی به کالا و خدمات، دچار خدشه می‌سازد و جامعه را از عدالت اقتصادی دور می‌کند؛ که به علت فراگیری اقتصاد، به سایر نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز سرایت می‌کند.

۱-۱. بیان مسأله

مهمترین مسئله این پژوهش، بررسی روش‌های پیشگیری از فساد اقتصادی در حکومت علوی است. بدین معنا که حضرت در دوره زمامداری خویش، از چه روش‌هایی برای پیشگیری و جلوگیری از مفسد اقتصادی بهره برد و توانست در مدت کوتاه به عدالت اقتصادی-که اولین شعار و اقدام حضرت بود- برسد و به رفاه و تامین اجتماعی دست یابد. حضرت در دوره زمامداری کفاف نسبی را در دوره خود اعلام می‌نماید. «در کوفه کسی شب را به صبح نمی‌رساند مگر با يك زندگی نسبتاً راحت، پایین‌ترین مردم، نان گندم می‌خورند، خانه دارند و از آب گوارا(فرات) می‌نوشند» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۲، ص ۹۹)؛^۱ تا بتوان با الگوگیری و به کارگیری آن‌ها به اقتصاد سالم و عادلانه که رفاه عمومی را به وجود می‌آورد، دست یافت. هدف این پژوهش دستیابی و ارائه الگویی از روش‌هایی است که حضرت علی (علیه السلام) برای مبارزه با فساد اقتصادی به کار گرفت و در آن موفق بوده است.

۱. «مَا أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا إِنْ أَذْنَاهُمْ مَنزِلَةٌ لِيَأْكُلَ الْبُرَّ وَيَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفِرَاتِ».

در منابع روایی و تاریخی مطالب فراوانی در تبیین اقدامات حضرت در حوزه سالم‌سازی و اصلاحات اقتصادی وجود دارد. علاوه بر آن شارحان نهج البلاغه به فراخور عبارات حضرت، به توضیح و شرح آن اقدام کرده‌اند. نوشته‌های فراوانی در خصوص اقتصاد علوی و اقتصاد اسلامی منتشر و یا به موضوعات کنترل و نظارت در حکومت علوی پرداخته شده است. ولی منابعی که به طور مستقل به این نوشتار مربوط باشد، عبارتند از کتاب: بررسی فقهی حقوقی علل بروز مفاسد اقتصادی و راهبردهای مبارزه با آن، حسین عباسی، ۱۳۸۴. و مقالات: فساد اقتصادی کاراترین الگوهای اقتصادی را ناکارآمد می‌کند، هامرز ماکان، مجله تعاون، ۱۳۸۱؛ روش امام علی (علیه السلام) در برقراری عدالت اقتصادی، علیرضا صدر، مجله النهج، شماره، ۱۷ و ۱۸؛ نقش مقابله با فساد اقتصادی در ارتقای بهره‌وری ملی، یدالله دادگر و روح‌الله نظری، مجله نگرش راهبردی، ۱۳۹۰؛ فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن، یوسف محنت فر و شهریار شفیعی، مجله فرهنگ تعاون، ۱۳۸۳؛ راهبردهای اصلاح رفتارهای اقتصادی با تاکید بر بازخوانی آموزه‌های اقتصاد اسلامی در حکومت علوی، فیض‌الله اکبری دستک و نرگس سعیدی، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۳۹۳؛ نظارت در حکومت علوی، عبدالمجید ناصری، مجله معرفت، ۱۳۸۱؛ حکومت علوی و اهتمام به اصلاحات اجتماعی اقتصادی: توسعه و رفاه، مصطفی جعفرپیشه، ۱۳۷۹؛ مبارزه با فساد در حکومت علوی، قربانعلی دری‌نجف‌آبادی، مجله حکومت اسلامی، ۱۳۷۹؛ نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی، علی اصغر الهامی‌نیا، مجله حکومت اسلامی، ۱۳۷۹؛ سیر اصلاحات در حکومت علوی، بهروز یدالله‌پور، مجله معرفت، ۱۳۸۵. بیشتر منابع پژوهشی فوق به طور غیرمستقیم به موضوع پرداخته و به طور کلی، موردی به برخی مفاسد اقتصادی اشاره نموده؛ و در مواردی به اصلاحات حضرت اشاره داشته‌اند. ولی هیچ‌یک از آن‌ها به طور مستقیم به موضوع روش‌های مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی اشاره نداشته است. این نوشتار با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی روش‌های مبارزه با فساد حکومت علوی با تاکید بر نهج البلاغه خواهد پرداخت.

بحث

نظام اقتصادی جز با هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح به عدالت اقتصادی نمی‌انجامد. هدف‌گذاری، پیش‌بینی، سیاست‌گذاری، اولویت‌بندی، تعیین مسیر، مرحله‌بندی، تعیین زمان، استفاده بهینه از امکانات و دارایی‌ها، با برنامه‌ریزی و تدبیرمندی قابل دستیابی است (دلشادتهرانی، ۱۳۹۰ الف،



ص ۴۹۶). امنیت و عدالت اقتصادی با ابعاد گسترده آن، بدون برنامه‌ریزی قابل دستیابی نیست (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۲). نتیجه عقلانیت نیز در برنامه‌ریزی نمود پیدا می‌کند.

«أَدَلُّ شَيْءٍ عَلَى عَزَازَةِ الْعُقْلِ حُسْنُ التَّدْبِيرِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۲)^۱؛ «لَا غِنَى مَعَ سُوءِ تَدْبِيرٍ؛ لَا فَقْرَ مَعَ حُسْنِ تَدْبِيرٍ» یا «سَبَبُ التَّدْمِيرِ سُوءُ التَّدْبِيرِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۷ و ۷۹۴):

برنامه‌ریزی نادرست موجب فقر و ناداری و هلاکت فرد و جامعه می‌شود. با برنامه‌ریزی صحیح افراد جامعه به نحو احسن از امکانات موجود بهره‌مند گردیده و امکانات و ثروت در دست عده‌ای معدود قرار نخواهد گرفت.

«إِذَا رَأَى اللَّهُ بَعْدَ خَيْرِ الْأَهْمَةِ الْإِقْتِصَادَ وَحُسْنَ التَّدْبِيرِ وَجَبَّهَ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَالْإِسْرَافِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۱)^۲؛

علاوه بر این با خردورزی و عقلانیت، با کم‌ترین امکانات بیشترین سود و بازدهی به دست می‌آید. «الْقَلِيلُ مَعَ التَّدْبِيرِ أَنْبَى مِنَ الْكَثِيرِ مَعَ التَّبْدِيرِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۸۱۷):

برنامه‌ریزی و تدبیرمندی اصل مهم و کلیدی در نظام اقتصادی است تا تولید، توزیع و مصرف قوام‌بخش باشد و از حدتعداد خارج نشود. نظام اقتصادی که مردم در آن، خواهان پاکی و روابط مناسب و درست اقتصادی، در حوزه‌های مختلف تولید، توزیع و مصرف باشند، عدالت اقتصادی گسترش می‌یابد (دلشادتهرانی، ۱۳۹۰ الف، ص ۴۶۶). اگر در جامعه‌ای مردم همکاری نداشته باشند و اتفاقات جامعه را با نگاهی بی‌طرفانه گذرانند، فسادآور خواهد بود. کار باید سبب مالکیت و عامل اصلی توزیع درآمد به شمار رود (بناءرضوی، ۱۳۶۷، ص ۱۹۴). در صورتی که پاداش و دستمزد غیر از کار باشد، عدالت رخت بسته و فساد و ظلم اقتصادی دامن‌گیر جامعه می‌شود. نباید اموری مانند رباخواری، احتکار، واسطه‌گری و... عامل کسب درآمد گردد.

حضرت علی (علیه السلام) در گفتارهای مختلفی مردم را به همراهی با حکومت فرامی‌خواند (خطبه ۳۴). و از مردم می‌خواهد در حکومت مشارکت داشته باشند و خیرخواه و نصیحت‌کننده باشند. تا با نظارت عمومی،

^۱ راهنماترین چیز بر فراوانی عقل و خرد، برنامه‌ریزی و تدبیر در امور است.

^۲ هرگاه خداوند بر بنده خیر و خوبی خواهد، میان‌روی و تدبیرمندی را در دلش اندازد و او را از تدبیر بد و بی‌اندازه خرج کردن به دور دارد.



فساد گسترش نیابد و از جامعه رخت بریندد. بسیاری از نامه‌های حضرت علیه السلام به کارگزاران، براساس گزارش‌های مردم است. با این روش، همکاری و همراهی مردم را افزایش می‌دهد.

«فَإِنْ شَكُوا ثِقَلًا أَوْ عِلَّةً أَوْ انْقِطَاعَ شَرِبٍ أَوْ بَالَةً أَوْ إِحَالََةَ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا غَرَقٌ أَوْ أَحْجَتَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّفَتْ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجَّوْا أَنْ يَصْلَحَ بِهِ أَمْرُهُمْ» (نامه ۵۳؛ نامه ۱۹).^۱

در این نامه‌ها حضرت بر اساس درخواست و گزارش مردم، از کارگزاران می‌خواهد حرف آنان را شنیده و وسایل رفاه آنان را فراهم کنند.

امیرمومنان علیه السلام به شدت، کارگزاران را از بی‌اعتنایی و پوشاندن خود از مردم باز می‌دارد و علت آن را ناامیدی و تاثیر بد آن بر روحیه مردم و عدم تمایل به همکاری با حکومت می‌داند.

«ثُمَّ أُمُورٌ مِنْ أُمُورِكَ لَا بَدَلَ لَكَ مِنْ مُبَاشَرَتِهَا مِنْهَا إِجَابَةٌ عَمَّا لَكَ بِمَا يَعْنَى عَنْهُ كِتَابُكَ» (نامه ۵۳).^۲

مهمترین روش‌های پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی عبارتند از: پاسخ‌گویی مسئولین، نظارت عمومی، شایسته‌سالاری، وضع قوانین کارآمد، امنیت اقتصادی، جلوگیری از اختلاس، رباخواری، احتکار و تبعض، ثبات بازار، که در این نوشتار به بررسی و تحلیل روش و منش امیرمومنان در رابطه با روش‌های مبارزه با فساد اقتصادی پرداخته خواهد شد.

۲-۱. شایسته‌سالاری کارگزاران

مهمترین رویکرد حضرت به مدیریت، مدیریت دانش‌محور و شایسته‌سالاری در امور بود. مدیریت نادانان، سبب تضییع اصول و توجه به فروع و مسائل غیر ضروری می‌شود. امام علی علیه السلام در سیره خویش بر شایسته‌سالاری کارگزاران تأکید می‌ورزیدند. حضرت شرط رهبری را توانایی و دانایی دانسته، و با اشاره به شایستگی کارگزاران فرمودند:

«وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ» (خطبه ۱۷۳).^۳

در سیره حضرت، توجه و حساسیت در انتخاب کارگزاران با آزمون آن‌ها صورت می‌گرفت و به ویژگی‌های ظاهری توجه نمی‌شد.

^۱ اگر از سنگینی-مالیات-شکایت کردند، یا از آفتی که-به کشت-رسیده، یا آبی که از کشت‌هاشان بریده، یا باران بدانها نباریده یا-بذر زمین- بر اثر غرق شدن یا بی آبی تباه گردیده، بار آنان را سبک گردان چندان که می‌دانی کارشان سامان پذیرد بدان.

^۲ بر عهده تو کارهاست که خود باید آن را انجام دهی، از آن جمله پاسخ گفتن عاملان توست آنجا که کاتبان در مانند.

^۳ سزاوار به خلافت کسی است که بدان توانا تر باشد، و در آن به فرمان خدا دانا تر.

«مَنْ أَنْظَرَ فِي أُمُورِ عَمَلِكَ فَاسْتَعْمَلَهُمْ اخْتِيَارًا وَلَا تَوَلَّوْهُمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً» (نامه ۵۳).^۱ «مَنْ لَا يَكُنْ اخْتِيَارَكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَاسْتِنَامَتِكَ وَحُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ» (نامه ۵۳).^۲

حضرت به صراحت اعلام می‌کند اگر شایسته‌تر از خود، بر امر حکومت سراغ داشتیم، هرگز زمامداری را نمی‌پذیرفتیم.

«لَوْ عَلِمْتُ أَنَّ أَحَدًا أَوْلَىٰ بِهِ مِنِّي مَا قَدِمْتُ عَلَيْهِ» (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۲۵۹).^۳

باتوجه به سیره حضرت و خصوصاً دستورالعمل مدیریتی به مالک‌اشتر، کارگزاران به تناسب حساسیت جایگاه، باید دارای ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی باشند؛ از جمله: باتجربه باشد، دارای حیا و عفت باشد، از اصالت خانوادگی برخوردار باشند، دیندار و باتقوا باشد، حق‌گو و شجاع باشد، مشاور و وزیر افراد پست و ظالم نبوده باشد؛ در مقابل فساد، نرمی و انعطاف به خرج ندهد، در پی اصلاح امور مردم باشد، نسبت به مردم انعطاف و نسبت به فساد شدت داشته باشد، خودرأی و مستبد نباشد، طرفدار مظلوم باشد و مقابل ظلم ظالم بایستد، انصاف داشته باشد، چالوسان او را تحت تاثیر قرار ندهند، به حقوق افراد توجه داشته باشد، با دانایان مشاورت داشته باشد، و به طور کلی صفات نیکو و شایسته مدیریت در او جمع باشد تا بتواند در جهت مصالح مردم تلاش کند.

۲-۲. وضع قوانین کارآمد و صحیح

کار و فعالیت اقتصادی بایستی به تناسب و توانایی افراد جامعه باشد. در نظام اقتصادی حکومت علوی انسان برای کمال و سعادت خلق شده، کار و تلاش او نیز در جهت کمال وی می‌باشد. به همین جهت همه اوقات انسان به کار اختصاص ندارد. بخشی از اوقات در راه خودسازی، تهذیب نفس، بخشی به کار و فعالیت، و بخشی به تفریح و استراحت تقسیم شده است (حکمت ۳۹۰). نباید افراد جامعه به تسخیر کشیده شوند و هم و غم مردم، کار کردن برای زنده ماندن باشد. بلکه عبادت و تفریح از نیازهای اساسی انسان شناخته شده است. از طرفی، کار باید با کیفیت و استحکام انجام گیرد.

«إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَّقِنْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۶۳).

^۱. سپس در کار عاملان خود بیندیش، و پس آزمودن به کارشان بگمار، و به میل خود و بی مشورت دیگران به کاری مخصوصشان مدار.

^۲. در گزیدن این کاتبان تنها به فراست و اطمینان، و خوش گمانی خود اعتماد مکن که مردم برای جلب نظر والیان به آراستن ظاهر می‌پردازند، و خوش خدمتی را پیشه می‌سازند.

^۳. اگر فردی را شایسته‌تر از خودم را بر زمامداری می‌شناختم، هرگز قدمی پیش نمی‌گذاشتم.



خداوند کسی که محکم و استوار، کاری انجام دهد دوست می‌دارد (صدوق، ۱۳۷۶ق، ص ۳۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۸-۴۲۷). زیرا باید با تمام توان و عدم کم‌کاری و سستی کار انجام گیرد. در گفتار امیرمومنان هر زمان، اختصاص به کاری دارد.

وَأَمُضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَافِيهِ (نامه ۵۳)^۱؛ فِي كُلِّ وَقْتٍ عَمَلٌ (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷۷)؛

نباید به افرادی کاری تحمیل شود که آنها را خسته کند. کار باید شکوفا کننده استعدادها و توانایی‌های بالقوه افراد باشد. علاوه بر آن باید سبب شکوفایی و رشد اقتصادی در جامعه باشد (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۶۰). از امام صادق (علیه السلام) روایت شده هرکس اوقات تعیین شده را رعایت نکند و تنها به بخشی از نیازهای خود پردازد، کار او مورد پسند و رضایت حق نیست؛ زیرا در این کار، حقوقی بسیاری را ضایع نموده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۷). لذا باید همه جنبه‌های وجودی انسان را در نظر گرفت و در تأمین همه نیازها به صورت صحیح و در حدکفاف کوشید. اگر قوانین کار و تلاش اقتصادی برای گروه‌های مختلف به طور صحیح سامان‌دهی نشود، و حقوق افراد رعایت نگردد، فسادآور خواهد بود. زیرا یا افرادی که حقوق‌شان ضایع شده، از کمیت و کیفیت کار خود می‌کاهند یا به انحرافات اقتصادی دست می‌زنند. لذا در صورت وضع قوانین صحیح و عادلانه، از مفاسد بسیاری پیشگیری می‌کند.

۲-۳. امنیت اقتصادی

فراهم کردن نظام حقوقی، اجتماعی و سیاسی که در چارچوب آن، طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی بتواند از آغاز اجرا تا مرحله بهره‌وری و از بهره‌وری تا پایان کار بدون اختلال و آشفتگی عمل نماید، امنیت اقتصادی خوانده می‌شود. (ایمان‌پور، ۱۳۸۲، ص ۹۶) سرمایه‌گذار باید بدون دغدغه و با اطمینان و عدم تزلزل بازار، که سبب ضرر و زیان او شود، اقدام به سرمایه‌گذاری نماید. ناامنی و ایجاد آشوب در اقتصاد، مانعی جدی در برابر عدالت اقتصادی است (دلشادتهرانی، ۱۳۹۰ الف، ص ۵۰۲). امیرمومنان از کارگزاران می‌خواهد در راستای عدم بروز مشکل و اختلال در اقتصاد، در همه زمینه‌های اقتصادی، محیطی امن فراهم گردد تا در سایه امنیت، عدالت گسترش یابد. حضرت در خصوص فراهم کردن شرایط و مسیر امن می‌فرماید:

^۱. کار هر روز را در همان روز بران، که هر روز را کاری است مخصوص بدان.

«فَاخْفِظْ حُرْمَتَهُمْ، وَآمِنْ سُبُلَهُمْ، وَخُدِّعْهُمْ بِحَقْوَقِهِمْ» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۹۹؛ محمودی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۸۷)؛^۱

از کارگزاران خود می‌خواهد جاهای نفوذ، فرصت‌طلبان و کسانی که در پی ناامنی‌اند بگیرد و فرصت و اجازه ناامنی به کسی ندهند. از نگاه حضرت، بدترین شهرها، شهرهایی است که در آن امنیت، فراوانی، ارزانی و به طور کلی رفاه اجتماعی وجود ندارد.

«شَرُّ الْبِلَادِ بِلْدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خِصْبَ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۹)؛

امنیت، سرمایه‌گذاری، آبادانی، فراوانی و رفاه لازم و ملزوم یکدیگرند. بدون وجود امنیت، رفاه اجتماعی معنا ندارد، و ناامنی، بی‌عدالتی اقتصادی و فقر و ناداری را دامان می‌زند.

گواراترین و لذت‌بخش‌ترین نعمت‌ها در نظر امیرمومنان امنیت است (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۷۹۳). حضرت با ارسال نامه‌ای سرکشاده، ماموران مالیات را به ایجاد امنیت و عدم دخل و تصرف در اموال مردم توصیه می‌کند تا کوچک‌ترین ظلم و اجحافی به مردم نرسد و مردم در کمال آرامش و امنیت، به پرداخت مالیات اقدام نمایند.

«وَلَا تُرْوَعَنَّ مُسْلِمًا وَلَا يَجْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَارِهًا وَلَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرُ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ» (نامه ۲۵).^۲

در نامه حضرت، نکات فراوانی در ایجاد آرامش و عدم ایجاد ترس و وحشت وجود دارد؛ از جمله:

- ✓ پرهیز از بی‌عدالت و ظلم اقتصادی در دریافت بیش از اندازه مالیات و خراج؛
- ✓ ادای احترام به مالیات‌دهندگان، و پرهیز از خوی تکبر و زورگویی با آنان؛
- ✓ پرهیز از فراری دادن حیوانات و رعایت حقوق آنها؛
- ✓ ایجاد امنیت روانی، و عدم ایجاد آشوب بین مردم؛
- ✓ عدم مشاجره و تسلط بر مالیات‌دهندگان؛
- ✓ توجه به حقوق مالیات‌دهندگان؛

با وجود این‌که عاملان مالیات به قصد دریافت زکات مراجعه می‌کردند، ولی حضرت دستور می‌دهد با آرامش بر آنان وارد شود و به تحکم و زورگویی و برهم زدن آرامش مردم نینجامد.

^۱. پس حرمت آنان را نگهدار و راه‌هایشان را امن ساز. و حقوق‌شان را برعهده گیر.

^۲. مسلمانی را مترسان و اگر او را خوش نیاید، بر سر وی مران و بیش از حق خدا از مال او مستان.



برای افزایش امنیت اقتصادی لازم است اخلاق اسلامی در جامعه گسترش یابد (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۵۳۴). حکومت علاوه بر توجه دادن مردم به رعایت ابعاد درونی-وجدانی و اعتقادی، قوانین بازدارنده‌ی وضع کند. حکومت باید دستگاه‌های نظارتی خود را جهت کنترل و تنبیه و تنبه کسانی که در امنیت اقتصادی اختلال ایجاد می‌کنند، فعال سازد. زیرا در میان فعالان اقتصادی افرادی در پی زیاده‌خواهی هستند و حکومت باید بر آنها نظارت داشته باشد.

«أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَشَحًّا قِيمًا وَاحْتِكَارَ الْمَنَافِعِ وَتَحْكَامًا فِي الْبَيْعَاتِ وَذَلِكَ بَابُ مَصْرَةٍ
لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْأُولَاءِ» (نامه ۵۳)^۱

حضرت خیانت کارگزاران را مایه ننگ حکومت و زیان مردم می‌دانست. و با روش‌های مختلف درصدد شایسته‌گزینی بودند. هر چند افرادی بودند که با قرار گرفتن بر اریکه قدرت از شایستگی خارج شدند و عزل گردیدند. مثلاً طی نامه‌ای به قاضی منصوب خود در اهواز، از او می‌خواهد علی‌بن‌هرمه که از بازاریان رشوه گرفته بود، مجازات کند (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳-۵۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۱۱۹). حضرت در جهت تحقق امنیت با ناامن‌کنندگان و اختلال‌گران اقتصادی به شدت برخورد می‌نمود.

۴-۲. نظارت و کنترل دقیق

نظارت و کنترل دقیق از اولویت‌های اساسی در پیشگیری از وقوع جرم است که از طریق حکومت و مردم انجام می‌شود. مردم با نظارت بر کارگزاران و مدیران، از وقوع تخلف جلوگیری می‌نمایند. نظارت از طرف حاکمیت به صورت آشکار و پنهان - ملموس و غیرملموس - صورت می‌گیرد (رشاد، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۳۷). کنترل و نظارت از ارکان مهم مدیریتی است که بدون آن امکان فساد و تخلف وجود دارد.

«ثُمَّ تَفَقَّدُوا مِنْ أُمُورِهِمْ... ثُمَّ تَفَقَّدُوا أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثُوا الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ... وَتَفَقَّدُوا
أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَفِي حَوَاشِي بِلَادِكَ» (نامه ۵۳)^۲

^۱. با این همه بدان که میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و در پی احتکارند. سود خود را می‌کوشند و کالا را به هر بها که خواهند می‌فروشند، و این سود جویی و گران‌فروشی زینتی است برای همگان، و عیب است بر والیان.

^۲. پس در کارهای آنان بیندیش... پس بر کارهای آنان مراقبت دار، و جاسوسی [دیده‌بانی] راستگو و وفای پیشه بر ایشان بگمار... به کار آنان بنگر، چه در آنجا باشند که خود به سر می‌بری و یا در شهرهای دیگر..

حضرت علی (علیه السلام) برای نظارت و ارزیابی نیروها و مدیران خود، علاوه بر توجه دادن به کنترل درونی، به کنترل بیرونی توجه داشتند. در بیشتر موارد، نظارت مردم مانع بروز فساد بود. در نهج البلاغه مواردی با لفظ بلغنی آمده است که بیان‌گر نظارت مردم است (نامه‌های ۳، ۱۸، ۲۰، ۴۰، ۴۳، ۴۵).

امیرمومنان بر به‌کارگیری نیروهای مخلص، پاک، قابل اعتماد تکیه نموده است تا گزارش‌ها خلاف واقع نباشد و بتوان بر اساس آن اقدام نمود. نظارت جدی‌ترین و مهم‌ترین مسئله نظام اداری است؛ به طوری که طبیعت آدمی نیازمند نظارت درونی و بیرونی است (دلشادتهرانی، ۱۳۹۰، ص ۴۶۲). اصل نظارت سبب رعایت در امانت و حق‌بینی و درست‌کرداری می‌گردد. نباید فلسفه نظارت و بازرسی را بی‌اعتمادی و پندار خلاف به مسئولان برشمرد، بلکه فلسفه نظارت عبارت است:

- ۱- پیگیری نحوه اجرا و انجام امور حکومت و تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف؛
- ۲- دیدن زحمات و خدمات کارگزاران و مسئولان و تشویق و توبیخ آنها؛
- ۳- مساعدت و تقویت نظام اداری و تسریع در امور؛
- ۴- جلوگیری و اصلاح از خطاهای موجود؛

نظارت پنهانی نیز دارای فوایدی است، از جمله:

- ۱- کارگزاران در تمام اوقات به امور و کارهای محوله توجه بیشتری داشته باشند؛
- ۲- امکان ظاهرسازی وجود ندارد زیرا نظارتی همیشگی و مداوم است؛
- ۳- با سرعت و هزینه‌ی کمتر انجام می‌گیرد؛
- ۴- با احتیاط و رودربایستی همراه نیست؛

بازرسی و نظارت پنهانی به صورت‌های زیر صورت می‌گرفته است:

- ۱- ارسال دیده‌بان به جاهای مختلف؛ در مواقعی برای کسب اطلاع از اوضاع و احوال، افرادی برای ارسال گزارش به منطقه‌ای فرستاده می‌شدند.
- ۲- نظارت مردمی؛ در شکایتی که مردم از کارگزار خود، عمروبن سلمه ارجبی داشتند (بالاذری، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۶۱)؛ حضرت او را از درشتی و سخت‌گیری مردم بازمی‌دارد.
فَإِنَّ دَهَاقِينَ أَهْلَ بَلَدِكَ شَكُوا مِنْكَ غِلْظَةً وَقَسْوَةً وَاحْتِقَارًا وَجَفْوَةً (نامه ۱۹)؛^۱

۱. دهقانان شهر تو شکایت دارند که با آنان درشتی می‌کنی و سختی روا می‌داری. ستمشان می‌ورزی و خردشان می‌شماری.



امیرمومنان در برابر خیانت کاران با اموال عمومی، سخت‌گیر و با شدت برخورد می‌نمودند (جعفری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۵۳).

حضرت برای بازرسی و نظارت آشکار، به کارگزاران و عاملان خود دستور دادند که با هرگونه فساد و ظلم، به‌خصوص در حوزه اقتصادی مبارزه کند؛ برای ارسال ماموران نظارتی، از نیروهای هم‌سطح و باتجربه کمک می‌گرفت. ابن‌عباس را به بصره، علی‌بن‌اصمغ را به بارگاه (رشاد، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۵۱۳) و کعب‌بن‌مالک را به عراق (بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۹۷؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۴) گسیل داشتند. علاوه بر این از کارگزاران و عاملان گزارش دوره‌ای می‌خواستند (دلشادتهرانی، ۱۳۹۰، ص ۴۶۵).

بَلَّغْنِي أَنْتَكَ جَرْدَتَ الْأَرْضِ فَأَخَذْتَ مَا مَحْتِ قَدَمَيْكَ وَأَكَلْتَ مَا مَحْتِ يَدَيْكَ فَارْفَعْ إِلَيَّ
حِسَابَكَ، (نامه ۴۰؛

برای اطلاع بیشتر نک: جعفری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۴۰۱-۳۸۶).^۱ حضرت به کعب‌بن‌مالک که از کارگزاران بود، می‌نویسد: «کسی را جانشین خود قرار داده و با تعدادی از افراد، به بازرسی و نظارت سرزمین عراق روانه شوید» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۴؛ احمدی‌میانجی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۹۷). در نگاه امیرمومنان مسئولیت، طعمه نیست؛ بلکه امانت الهی است که باید به نحو احسن انجام گیرد (نامه ۵).

حضرت از کارگزاران می‌خواست نظارت و بازرسی خود را بر مسئولان حکومتی تشدید نمایند و فریفته رفتارهای فریبکارانه و چاپلوسانه آن‌ها نشوند.

«ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِياراً»، (نامه ۵۳)؛^۲

به کارگزاران دستور می‌دهد همه امور را زیر نظر داشته باشند و از امور کوچک و بزرگ، دور و نزدیک غافل نگردند. در بازرسی و نظارت، نقاط کور را رها ننمایند و به طور جامع امور را زیر نظر گیرند.

تَفَقَّدُوا أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَفِي حَوَاشِي بِلَادِكَ... وَتَحَفَّظْ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنَّ أَحَدَهُمْ يُسَطِّبُ إِلَيَّ خِيَانَتَهُ

اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ أَكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، (نامه ۵۳).^۳

^۱. به من خبر داده‌اند تو کشت زمین را برداشته و آنچه پایت بدان رسیده برای خود نگاهداشته‌ای، و آنچه در دست بوده خورده‌ای. حساب خود را به من باز پس بده؛ برخی خطاب نامه را به ابن‌عباس و برخی به دیگران دانسته‌اند.

^۲. سپس در کار عاملان خود بیندیش، و پس آزمودن به کارشان بگمار.

^۳. به کار آنان بنگر، چه در آنجا باشند که خود به سر می‌بری و یا در شهرهای دیگر... و خود را از کارکنان واپای اگر یکی از آنان دست به خیانتی گشود، و گزارش جاسوسان تو بر آن خیانت همداستان بود، بدین گواه بسنده کن.



حضرت مهمانی یکی از کارگزاران را با دقت زیر نظر دارد؛ و با کارگزار خو برخورد می‌کند.
 «يَا بَنَ خُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْذُبَةٍ» (نامه ۴۵).

امیرمومنان لغزش نزدیک‌ترین یارانش را پنهان نمی‌نماید (نامه ۴۱). گزارش بازرسان در خصوص خیانت کارگزاران را شرح می‌دهد و از اختلاس برحذر می‌دارد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱۶، ص ۶-۱۶۴؛ شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۸۰-۷۸؛ جعفری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۹۳). نظارت حکومت بر رفتار کارگزاران و مسئولان، عامل انکارناپذیری در صیانت و حفظ بیت‌المال و سامان‌دهی جامعه در برابر ظلم و بی‌عدالتی است (علی‌اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹). بدون نظارت و بازرسی صحیح، فراگیری و گسترش عدالت امری موهوم به نظر می‌رسد.

۲-۵. ثبات در قیمت کالا و خدمات

نظارت دقیق بر بازار و توزیع عادلانه کالا و خدمات از مهمترین سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت علوی بود. برنامه‌های آن حضرت در جهت پایین نگاه‌داشتن قیمت‌ها، با وضع قوانین مناسب جهت دریافت مالیات و عدم اجحاف بر تولیدکننده بود. توجه به قیمت‌های عادلانه، مبارزه با گران‌فروشی، احتکار، انحصارطلبی و ستم اقتصادی از برنامه‌های نظارتی، در جهت ثبات بازار و ایجاد رفاه عمومی و رونق بود (رشاد، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۳۵۵). تنظیم و تثبیت بازار و جلوگیری از اجحاف و ستم اقتصادی به معنای قیمت‌گذاری کالاها از طرف حکومت نیست. قیمت‌ها تابع شرایطی گوناگون است؛ در صورتی که قیمت‌گذاری به طور طبیعی و بدون دخالت دولت و با اغراض مختلف از طرف فروشنده - مانند احتکار، گران‌فروشی - انجام گیرد، روند طبیعی خود را طی کرده و به کسی ستم نمی‌شود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۳۱۶)؛ و عرضه و تقاضا به درستی شکل می‌گیرد. در غیر این صورت، برای این که به کسی ظلم و ستم نشود و بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی به وجود نیاید، دولت در جهت ثبات قیمت ورود و با ظالم برخورد می‌کند، و مانع هرج و مرج در اقتصاد می‌شود. قیمت‌گذاری در بازار باید به گونه‌ای باشد که ضرر و زیانی متوجه طرفین معامله نشود.

«وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْنَ سَمْحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحَفُ بِالْقَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ» (نامه ۵۳).

تعیین قیمت در صورتی انجام می‌شود که قیمت‌ها از مسیر طبیعی خود خارج شده و یکی از طرفین معامله در حال زیان‌دهی است؛ مانند، مبارزه با احتکار، مبارزه با اجحاف و بروز قیمت‌های ناعادلانه از طرف فروشنده (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۳۱۶)؛ با تنظیم و وضع قوانین صحیح،



برنامه‌ریزی و تدبیرمندی، بایستی ثبات در اقتصاد ایجاد شود. ثبات در بازار و تثبیت قیمت‌ها، دلایل دیگری همچون، حمایت از تولیدکنندگان و تعدیل مالیات دارد که حکومت باید مانع تحریک بازار و ایجاد آشوب می‌گردد. توجه به وضع تولید و مالیات، متناسب با شرایط مختلف در جهت ثبات اقتصادی است. «اگر از سنگینی-مالیات- شکایت کردند... بار آنان را سبک‌گردان چندان که می‌دانی کارشان سامان پذیرد» (نامه ۵۳)؛ علاوه بر این در برنامه‌ریزی‌ها، بایستی بر شرایط مناطق مختلف توجه شود.

حضرت علی (علیه السلام) با ایجاد رقابت در اقتصاد و وجود بازارهای متعدد، تلاش می‌کردند علاوه بر ایجاد رقابت سالم بین تجار و فروشندگان، قیمت‌ها تعادل واقعی خود را به دست آورد. زیرا رقبا در پی کسب رضایت خریداران و جلب سود بیشتر، منفعت جامعه را نیز تامین خواهند کرد (تفضلی، ۱۳۷۲، ص ۹۶). در حکومت علوی بازارها و مشاغل مختلف وجود داشته است (قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳۸)، که علاوه بر آزادی و حق انتخاب خریداران، ایجاد رقابت و عدم نابسامانی‌هایی از جمله: انحصار، احتکار و گران‌فروشی ممکن بود به وجود آید را برطرف می‌کرد.

۲-۶. جلوگیری از اختلاس

از عوامل مهم تأمین‌کننده‌ی سلامت اقتصاد جامعه و استحکام آن، قاطعیت حاکمیت کشور در برابر کسانی است که از بیت‌المال سوء استفاده می‌کنند. حضرت علی (علیه السلام) در برابر اختلاس‌کنندگان کوچک‌ترین اغمازی روا نمی‌دیدند (اکبری دستک و سعیدی، ۱۳۹۳، ص ۴۷). علاوه بر بازگشت اموال، مجازات شدید و به گردن آویختن طوق بدنامی از دیگر اقدامات حضرت بود.

فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ أَكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا
فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمُدَلَّةِ وَوَسَّمْتَهُ بِالْحِيَانَةِ وَقَلَّدْتَهُ
عَارَ التَّهْمَةِ (نامه ۵۳).^۱

پس از کشف جرم، با کمترین واسطه و بروکراسی، با فساد مبارزه می‌کرد. شدت مبارزه حضرت با اختلاس و چپاول اموال مردم در بیت‌المال به حدی بود که علاوه بر پیشگیری از مفاسد و مجازات مفسدان در دوره زمامداری خود، به بازگشت بیت‌المال به تاراج رفته در دوره قبل، تاکید داشتند؛ و فرمودند هر آنچه خلیفه از بیت‌المال به کسی داده و اقطاع نموده به بیت‌المال بازگردانده می‌شود، حتی

^۱. اگر یکی از آنان دست به خیانتی گشود، و گزارش جاسوسان تو بر آن خیانت همداستان بود، بدین گواه بسنده کن، و کیفر او را با تشبیه بدنی بدو برسان و آنچه بدست آورده بستان. سپس او را خوار بدار، و خیانتکار شمار و طوق بدنامی را در گردنش در آر.

اگر به مهریه زنان درآمده و یا صرف خرید کنیز شده باشد (کلام ۱۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۲۶۹). حضرت پس از مدتی به وعده خود جامه عمل پوشانید و املاکی که بی ضابطه در اختیار افرادی خاص قرار گرفته بود به نفع بیت‌المال تصاحب گردید (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۵۳).

حضرت علی علیه السلام خطاب به یکی از کارگزاران نزدیک خود که در بیت‌المال خیانت کرده بود می‌فرماید:

«فَاتَّقِ اللَّهَ وَارْزُقْ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَأَنْتَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ تُمَكِّنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَعْدِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ
وَلَا ضَرِيَّتَكَ بِسَيِّغِي الَّذِي مَاضَتْ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ وَاللَّهُ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ
الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَّةٌ وَلَا ظَفْرًا مِثِّي بِإِرَادَةٍ حَتَّى آخِذًا لِحَقِّ مِنْهُمَا وَأَرْجِي الْبَاطِلَ عَنْ
مُظْلَمَتَيْهِمَا» (نامه ۴۱).^۱

با به کارگیری عدالت اقتصادی روز به روز بر دشمنی‌های کسانی که نمی‌توانستند عدالت را تحمل کنند افزوده شد. و با قدرت نظارت همه جانبه و گماشتن دیده‌بان‌هایی جهت رصد و بازرسی‌های پیدا و پنهان، به طور مستقیم، امور عاملان و کارگزاران را در نظر داشتند و از تعدی و حیف و میل بیت‌المال جلوگیری می‌نمودند و با قاطعیت و بدون مسامحه‌ای نسبت به آنها برخورد می‌کردند (علی اکبری، ۱۳۹۰، ص ۲۱۴). بدین خاطر بیعت‌کنندگان اولیه و دشمنان حضرت در مدت اندک زمامداری حضرت، سه جنگ خونین به راه انداختند تا مانع از اصلاحات دیگر حضرت - در زمینه‌های دیگر - شوند.

۲-۷. جلوگیری از رباخواری

از ویژگی‌های خاص نظام اقتصادی عدالت‌محور حکومت علوی، که آن را از دیگر نظام‌ها ویژه می‌سازد، توجه به کار و تلاش اقتصادی است و هرآنچه مانع از آن شود نهی شده است. یکی از آنها رباخواری است؛ که از آن نهی شده و رباخواری در حکم محاربه و جنگ با خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

^۱. پس از خدا بیم دار و مال‌های این مردم را باز سپار، و اگر نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم کفیریت دهم که نزد خدا عذرخواه من گردد، و به شمشیریت بزنم که کس را بدان نردم جز که به آتش در آمد. به خدا اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی از من روی خوش ندیدندی، و به آرزویی نرسیدندی، تا آنکه حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستم‌شان پدید شده نابود گردانم.



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (بقره (۲)، آیات ۹-۲۷۸).^۱

کسی که به جای معامله صحیح به ربا روی آورد، سرمایه‌ها را به جای سوق دادن به تولید و ایجاد رفاه اجتماعی، به ربا و کسب سود بدون کار و فعالیت اقتصادی سوق داده و به فقر و شکاف طبقاتی می‌انجامد. در اسلام درباره کمتر گناهی چنین سخت‌گیری و عذاب در نظر گرفته شده است. برخورداری و بهره‌مند شدن از سود و ثروت، بدون کار و تلاش اقتصادی، مایه ویرانی اقتصاد و تقسیم جامعه به دو طبقه غنی و فقیر است (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۲۹). رباخوار بدون کار و فعالیت، حق دیگران را تصاحب می‌کند و سبب رکود اقتصادی می‌شود و انگیزه فعالیت و پیشرفت را از بین می‌برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِن أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَّاسِبُ الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالرِّبَا»
(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۴)؛

خطرناک‌ترین اموری که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن اظهار وحشت کردند، فساد اقتصادی، فقر و ناداری مردم است که به واسطه تمایل مردمان به رباخواری و عدم هزینه‌کرد سرمایه و ثروت به تولید است که سبب رکود اموال، کاهش تولید، دلالتی‌گری و تن‌پروری است که فقر و ناداری را ایجاد می‌کند و رفاه عمومی را کاهش می‌دهد. بدترین کسب و کار، درآمد از طریق رباست (قمی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۱؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۷؛ مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۳۴۳). ربا به حدی مورد نفرت قرار گرفته که همه عاملان آن نفرین شده‌اند.

لَعَنَ اللَّهُ الرِّبَا وَآكِلَهُ وَمُؤَكِّلَهُ وَبَايَعَهُ وَمُشْتَرِيَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيَهُ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۷۴).

خسارات و زیان‌هایی که ربا به ساختار نظام اقتصادی و تولید می‌زند، جبران‌ناپذیر است. توجه ویژه امیرمومنان علی علیه السلام به مقوله اقتصاد به اندازه‌ای است که برای جلوگیری از هرگونه انحراف در بازار و شیوه‌های داد و ستد، هر روز صبح به بازار کوفه می‌رفت و از اوضاع و احوال بازار مطلع می‌گردید. و می‌فرمود: «ای بازرگانان، تقوای الهی پیشه کنید، قبل از آن که تجارتي را شروع کنید قوانین آن را یاد بگیرید، زیرا ربا به آرامی در زندگی وارد می‌شود به گونه‌ای که از راه رفتن مورچه‌ای بر سنگ سیاه پنهان‌تر

^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید. اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. اگر [چنین] نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید.

است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۸۲). عدم آگاهی از قوانین کسب و کار، باعث سود نامتعارف، گران‌فروشی، احتکار، پوشاندن عیوب کالا و رباخواری می‌شود که ظلم به مردم و خسارت‌بار است. پستی ربا به اندازه‌ای است که پیامبر ﷺ کشتن رباخوار را واجب شمرده است.

«مَنْ أَخَذَ الرِّبَا وَجَبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ»

(قمی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۱۱۸)؛

رباخواری اسباب هلاکت فرد و جامعه را به وجود می‌آورد.

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا»

(طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۷۱/۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۳/۱۸).

مال ربوی، از حد قیوم خارج و موجب تباهی اجتماع می‌شود (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۶۲۱). در سیره امیرمومنان کمتر عملی را می‌توان به فسادآوری ربا و تخریب اقتصادی آن پیدا کرد. زیرا به روشنی بر بی‌عدالتی اقتصادی دامن می‌زند و شکاف طبقاتی ایجاد می‌نماید.

۲-۸. جلوگیری از احتکار

احتکار موجب افزایش فقر نیازمندان، و ثروت‌اندوزی محترکان است. در سیره علوی، در مقابل این‌بار و برگزیدن دیگران به جای خود که فضیلت محسوب می‌شود، احتکار رذیله اخلاقی است.

«الْإِيْتَارُ فَضِيلَةٌ، الْإِحْتِكَارُ رُذِيلَةٌ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۲)؛

احتکار از ویژگی‌های خاص ستمکاران و ظالمان به شمار می‌رود (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۰). خرید و فروش بایستی با موازین عادلانه انجام گیرد تا مردم به دور از تکلف بتوانند از کالا و امکانات برخوردار شوند. محترکان برهم‌زندگان وضعیت اقتصادی و آشوب و ناامنی در جامعه هستند. احتکار مایه ننگ و عار حکومت است.

احتکار زبان رساننده به اقتصاد جامعه و فلج‌کننده آن است و پدیدآورنده ناامنی در جامعه است؛ و اگر از حد بگذرد، می‌توان محترک را مفسد فی الارض به حساب آورد.

«أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَشُحًّا قَبِيحًا وَاحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَتَحَكُّمًا فِي الْبَيَاعَاتِ وَذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَامْنَعُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنَعَ مِنْهُ وَلِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمِحًا

بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ وَأَسْعَارٍ لَمْ يُجْحَفْ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَنَ حُكْرَةَ بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّفَ
بِهِ وَعَاقِبَهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ، (نامه ۵۳).^۱

حضرت پس از اطلاع از احتکار کالا در یکی از نواحی (اهواز) در نامه‌ای به یکی از قاضیان می‌نویسد:

أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ أَنَّهُ عَنِ الْحُكْرَةِ فَمَنْ رَكِبَ النَّهْيَ فَأَوْجَعَهُ ثُمَّ عَاقِبَهُ بِإِطْهَارٍ مَا اخْتَكَرَ،

(قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۶؛ محمودی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۴).^۲

محتکران با ذخیره کالاهای ضروری، بدون کار و تلاش اقتصادی ثروت هنگفتی کسب می‌کنند که در نظام اقتصادی حکومت علوی مردود است. فقها در تعیین کالاهایی که شامل احتکار می‌شوند، اختلاف دارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۴؛ قمی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۱). در کلام حضرت، احتکار شامل آن چه مردم در معیشت خود نیاز دارند، می‌شود. شارع در صدد است مردم در فراوانی و وسعت ارزاق و زندگانی زندگی کنند (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷-۶۵۶). در نظام اقتصادی حکومت علوی، هر آن چه سبب ضرر و زیان جامعه گردد، ناپسند و مردود است. زمانی که کالاها به طور طبیعی عرضه شود، ثبات در اقتصاد به وجود می‌آید؛ ولی احتکار موجب عدم ثبات در اقتصاد و ناامنی اقتصادی می‌گردد.

۲-۹. اجتناب از تبعیض

ظلم، تبعیض و نابرابری در وهله‌ی اول متوجه کارگزاران می‌شود که با تقویت روحیه عدالت‌خواهی و توجه به نتایج خسارت‌بار و آفت‌زای تبعیض، از آن اجتناب کنند. مردم در حقوق شهروندی برابرند و منابع و امکانات نباید به نفع گروه و جناحی خاص سوق یابد (رشاد، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۹۹). کارگزاران با دوری از تعلقات و تقویت اراده، این آفت را از خود دور کنند (علی‌اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷). به دلیل اهمیت عدالت‌خواهی حضرت، در نظام اقتصادی عدالت‌محور وی، به شدت با این پدیده شوم مبارزه شده است. حضرت می‌فرماید:

^۱. میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و در پی احتکارند. سود خود را می‌کوشند و کالا را به هر بها که خواهند می‌فروشند، و این سود جویی و گران‌فروشی‌زیانی است برای همگان، و عیب است بر والیان. پس بایست از احتکار منع نمود که رسول خدا ﷺ از آن منع فرمود. و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد. با نرخهای - رایج بازار - نه به زیان فروشنده و نه خریدار. و آن که پس از منع تو دست به احتکار زند او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان، و در کیفر او اسراف مکن.

^۲. از احتکار نهی کن و اگر جامه عمل بدان نپوشاند اموال احتکار را با بیرون آوردن و در دسترس مردم قرار دادن مجازات کن.

إِيَّاكَ وَالِاسْتِئْثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَأُ (نامه ۵۳).^۱

هر آن چه مربوط به عموم است نباید به عده‌ای خاص اختصاص یابد؛ زیرا همه مردم باید از امکانات و منابع موجود در جامعه به طور مساوی برخوردار باشند.

حضرت در نامه‌ای به مصقلة بن هبیره شیبانی، -عامل امام در اردشیر خزه- او را از اختصاص بیت‌المال، به خواص خود برحذر داشت و برای وی این گونه نوشت:

أَنْتَ تَقْسِمُ فِيَّ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي حَازَتْهُ رِمَاخُهُمْ وَخُيُوتُهُمْ وَأُرِيَقَتْ عَلَيْهِ دِمَاؤُهُمْ فِيمَنْ اعْتَمَاكَ مِنْ
أَعْرَابِ قَوْمِكَ فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَشُنْ كَانُ ذَلِكَ حَقًّا لِحَدَنِكَ لَكَ عَلَيَّ هَوَانًا وَتَحِيَّعًا عِنْدِي
مِيزَانًا فَلَا تُسْتَهِنَنَّ بِحَقِّ رَبِّكَ وَلَا تُصْلِحْ دُنْيَاكَ بِحَقِّ دِينِكَ فَتَكُونَ مِنَ الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا أَلَا وَإِنَّ حَقَّ
مَنْ قَبْلَكَ وَقَبْلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمَةِ هَذَا الْقِيَّءِ سَوَاءٌ (نامه ۴۳).^۲

حضرت بر شایسته‌سالاری و اجتناب از قومیت‌گرایی و خواص‌زدگی تاکید می‌کند؛ و حق برخورداری اموال عمومی و حقوق شهروندی را برابر می‌داند. در نامه دیگر می‌نویسد:

بَلَعْنِي أَنْتَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا مَحَبَّتْ قَدَمَيْكَ وَأَكَلْتَ مَا مَحَبَّتْ يَدَيْكَ فَارْفَعْ إِلَيَّ
حِسَابَكَ» (نامه ۴۰).^۳

حفظ، حراست و پرداخت عادلانه بیت‌المال و حقوق عمومی از اصول و خطوط قرمز امیرمومنان به شمار می‌رود و با متجاوزان به بیت‌المال به شدت برخورد می‌کند. تبعیض و میدان دادن به خواص جهت رانت‌خواری و حیف و میل بیت‌المال در نظر حضرت بسیار نکوهیده است. حضرت از کارگزاران می‌خواهد به اطرافیان و کسانی که خواهان سهم بیشتری از حکومت هستند دقت به خرج داده و بدون در نظر گرفتن اولویت و سهم بیشتر، آنها را دور کند.

^۱ بهره‌یز از آنکه چیزی را به خود مخصوص داری که- بهره- همه مردم در آن یکسان است.

^۲ تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسبهاشان گرد آورده، و ریخته شدن خون‌هاشان فراهم آورده، به عرب‌هایی که خورشیاوندان تواند، و تو را گزیده‌اند، پخش می‌کنی به خدایی که دانه را کفیده و جاندار را آفریده اگر این سخن راست باشد، نزد من رتبت خود را فرود آورده باشی و میزان خویش را سبک کرده. پس حق پروردگارت را خوار مکن و دنیای خود را به نابودی دینت آباد مگردان که از جمله زیانکاران باشی. بدان مسلمانانی که نزد تو و ما به سر می‌برند حق‌شان از این غنیمت یکسان است.

^۳ به من خبر داده‌اند تو کشت زمین را برداشته و آن چه پایت بدان رسیده برای خود نگاه داشته‌ای، و آنچه در دست بوده خورده‌ای. حساب خود را به من باز پس بده.

«ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبِطَانَةً فِيهِمْ اسْتِنَارٌ وَتَطَاوُلٌ وَقَلَّةٌ اِنْصَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ فَاحْسِمْ مَادَّةَ أَوْلِيَاكَ بِقَطْعِ
 أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ» (نامه ۴۰).^۱

اختصاص هرگونه رانت اطلاعاتی، جهت بهره‌برداری و سوء استفاده اقوام و خواص، از آفت‌های فسادآور کارگزاران حکومتی است، که شفافیت اطلاعات مانع آن می‌شود. توزیع منابع طبیعی و آزادی اطلاعات و شفافیت در حکومت علوی به گونه‌ای است که امکان استفاده از امتیاز انحصاری وجود ندارد زیرا بی‌عدالتی اقتصادی را دامن می‌زند. حضرت در حکومت برای خود امتیازی قائل نشد.

«وَاللَّهِ، أَنِّي لَا أَزْرُؤُكُمْ مِنْ فَيْعِكُمْ شَيْئاً مَا قَامَ لِي عَدَقٌ يَبْثُرُ بَيْنَ الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ،

(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۹۶؛ مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۱۵۱؛ محمودی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۳۸).^۲

اولین اقدام حضرت در خصوص اثربخشی دستورات، اعتقاد و عمل به گفتار خود بود. وی حکومت را بهانه‌ای برای رسیدن به مطامع و آمال خود نمی‌دانست. اگر زمامداران و کارگزاران صالح نباشند، صالح بودن مردم ممکن نیست. زمانی که طلحه و زبیر از حضرت خواستند آن‌ها را بدون ضابطه در حکومت شریک گرداند با صراحت به آنان پاسخ می‌دهد (حکمت ۲۰۲). حضرت معتقد بود نمی‌توان پایه‌ها و اصول حکومت را بر مصالح فاسد بنا نهاد. عبدالله بن جعفر زمانی که از امام سهم بیشتری از بیت‌المال درخواست نمود، با پاسخ منفی حضرت روبه‌رو شد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۰۰). با وجود اعتراض خواهرش ام‌هانی، به او و کنیزش بیست درهم اختصاص داد (مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۱۵۱). در پاسخ درخواست برادرش عقیل از گرفتن سهم بیشتری از بیت‌المال، او را به آتش جهنم رهنمون و به سرقت تشبیه می‌نماید (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۲، ص ۱۲۵). حضرت در زمینه تمایز و تفاوت قائل شدن بین مردم در تقسیم بیت‌المال حساسیت زیادی داشتند؛ و حق همه را از بیت‌المال و منابع عمومی یکسان در نظر می‌گرفتند. البته این موضوع با توجه ویژه نسبت به فقرا و طبقات ضعیف اجتماعی، متفاوت است. زیرا در روایات، درخواست سهم بیشتری از بیت‌المال است که با مخالفت حضرت روبه‌رو می‌شدند.

^۱. والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات انصاف را کمتر به کار بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر.

^۲. به خداسوگند تا زمانی که درخت خرمايي در يثرب داشته باشم، دره‌می از شما را به خود اختصاص نخواهم داد و بين هيچ-کس تفاوتی قائل نخواهم شد.



لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ. (کلام ۱۲۶).^۱

حضرت در همه احوال به عدالت رفتار نمود. برقراری عدالت در اندیشه حضرت اصل است؛ و در موارد متعدد، پافشاری بر آن را اعلام کرد؛ هرچند خواصی که قبل از آن، سفره‌های رنگین داشتند، نتوانستند تحمل کنند. تا جایی که حضرت فرمود: «خدایا من از دست این‌ها خسته و افسرده شده‌ام و آنان نیز از من ملول و خسته شده‌اند» (خطبه ۲۵)، چقدر با شما مدارا کنم (کلام ۶۸). جنگ‌های متعدد را به وجود آوردند و سبب‌کننده اصلاحات حضرت شدند.

نتیجه‌گیری

از اقدامات اساسی و بنیادی حکومت علوی مبارزه با فساد اقتصادی بود. با نفوذ فساد در ارکان حکومت، نظام اقتصادی عادلانه شکل نخواهد گرفت. زیرا هر اندازه ثروت و امکانات در جامعه وجود داشته باشد، در جهتی غیر از رفاه و تامین منافع عموم هزینه خواهد شد و گسترش عدالت ابتر خواهد ماند. از طرفی اگر همه زیرساخت‌های اقتصادی به درستی شکل گرفته باشد، ولی کنترل و نظارت صحیح جهت

^۱. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم - که چنین تقسیم سزا است - تا چه رسد که مال، مال خدا است.

بازداشتن از فساد وجود نداشته باشد، اقدامات اصلاحی حکومت با مشکل مواجه خواهد شد. امیرمومنان با در نظر گرفتن روش‌ها و قواعد بازدارندگی از فساد و با علم و دانش اقتصادی، با برنامه‌ریزی، فرهنگ‌سازی، شایسته‌گزینی، وضع قوانین کارآمد، گسترش امنیت اقتصادی، نظارت و کنترل همه جانبه از مفاسد بسیاری از جمله: اختلاس، رباخواری، احتکار، تبعیض، پیشگیری و ثبات و آرامش را در اقتصاد ایجاد نمودند؛ تا عموم مردم بتوانند نیازهای خود را برآورده کنند و از فساد که برهم‌زننده آرامش و تعادل در بازار است، پیشگیری شود.

بدون شایسته‌سالاری تحقق عدالت و دوری از فساد ممکن نخواهد بود. قوانین کارآمد و صحیح به همراه مجریان پاک‌دامن سبب سلامت اقتصادی و تحقق عدالت و پرهیز از سوءاستفاده اقتصادی است. سیره عملی امیرمومنان به خوبی نشان‌دهنده برخورد جدی با مفاسد اقتصادی کارگزاران است. حضرت پس از اطلاع از فساد کارگزاران، عاملان، با سرعت و شدت برخورد می‌کردند؛ و ضمن برکناری، توبیخ و تنبیه مفسدان، به مردم معرفی کرده و طوق بدنامی بر گردنش می‌آویختند. در مقابل برخورد حضرت با مردم مداراگونه بود و مکرر به کارگزاران دستور می‌دادند از خطاهای مردم چشم‌پوشی کنند.



منابع

- القرآن الکریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، ۱۴۱۸ق، تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه، رضی، ابوالحسن محمد، ۱۳۷۸ش، ترجمه: سیدجعفر شهیدی. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱. بناء رضوی، مهدی، ۱۳۶۷ش، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲. تفضلی، فریدون، ۱۳۷۲ش، تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا ارسطو)، تهران: نشر نی.
۳. تیمیمی مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی أصغر فیضی، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۴. جعفری، سید محمد مهدی، ۱۳۸۱ش، پرتوی از نهج البلاغه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۷ش، الحیة، ترجمه: احمد آرام. چاپ نهم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱ش، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۰ش، تراز حیات، ساختارشناسی عدالت در نهج البلاغه. تهران: دریا.
۸. _____، ۱۳۹۰ش، دلالت دولت، آیین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، چاپ- سوم. تهران: دریا.
۹. رشاد، علی اکبر، ۱۳۸۶ش، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. علی اکبری، محمدحسین، ۱۳۹۰ش، سیاست‌های مالی امام علی (علیه السلام)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۱ش، نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، چاپ دوم. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابيطالب عليهم السلام، قم: علامه.
۱۳. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، ۶۵۶ ق، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابو الفضل ابراهیم. ج اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ق.
۱۴. احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، مکاتیب الرسول ﷺ، قم: دارالحدیث.
۱۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ق، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۹۴ق، انساب الاشراف، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۹. شوشتری، شیخ محمد تقی، ۱۳۷۶ش، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة. تحقیق: مؤسسه نهج البلاغه، طهران: امیرکبیر.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. _____، ۱۳۷۶ش، الأمالی. چاپ ششم. تهران: کتابچی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. طهران: ناصر خسرو.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، الأمالی، تحقیق و تصحیح: مؤسسه البعثة. قم: دارالتقافه.
۲۴. فضل الله، محمد حسین، ۱۴۱۹ق، من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
۲۵. التمیمی المغربي، نعمان بن محمد ۱۴۰۹ق، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق: سید محمد حسین حسینی جلالی. قم: جامعه مدرسین.
۲۶. قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۴ق، سفینة البحار. قم: اسوه.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی. تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ-چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۲۸. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، *عیون الحکم و الموعظ*. تحقیق: حسین حسنی بیرجندی. قم: دارالحديث.
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار*. چاپ سوم. بیروت: دارالأحياء التراث العربی.
۳۰. محمودی، محمدباقر، ۱۳۷۶ش، *نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغة*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. مسعودی، علی بن الحسین، ۱۴۰۹ق، *مروج الذهب و معادن الجواهر*. تحقیق: اسعد داغر. چاپ دوم. قم: دارالهجرة.
۳۲. مفید، محمد بن محمد، *الإختصاص*. تصحیح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی. قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.
۳۳. _____ . *الجمل*. تصحیح: سید علی میرشریفی. قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (بی تا). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دار صادر.

مقالات

۳۵. اکبری دستک، فیض الله؛ سعیدی، نرگس، ۱۳۹۳ش، «*راهبردهای اصلاح رفتارهای اقتصادی با تأکید بر بازخوانی آموزه های اقتصاد اسلامی در حکومت علوی*». فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی. سال- یازدهم. شماره سی ام. صص ۱۹-۴۹.